

## تحلیل مستندات قرآنی حضور مردم در تجمعات در زمان جنگ

حسن رضا رضایی\*

### چکیده

حضور مردم در صحنه‌های سرنوشت‌ساز و تجمعات اجتماعی، خصوصاً در زمان تهاجم دشمنان، یکی از مؤلفه‌های کلیدی قدرت و استمرار جوامع دینی است. قرآن کریم به‌عنوان نسخه جامع هدایت، در مواضع گوناگون بر ضرورت همبستگی، حضور فعال و آمادگی امت اسلامی در برابر تهدیدات تأکید ورزیده است. این نوشتار با روش تحلیل اسنادی و توصیفی به بررسی مستندات قرآنی این حضور مردم در صحنه و پشتیبانی از جهاد می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن نه تنها حضور در صحنه را یک تکلیف الهی در راستای حفظ عزت و امنیت جامعه ایمانی تلقی می‌کند، بلکه هم‌افزایی و وحدت‌بخشی در تجمعات را عامل شکست استراتژی‌های دشمن و نصرت الهی معرفی می‌نماید. تکیه بر آیات قیام برای خدا و اطاعت از امام جامعه و معرفی حضور مردم به‌عنوان عامل وحشت در دل دشمنان و...، نشانگر آن است که در زمان جنگ، حضور مردم در عرصه‌های اجتماعی و تجمعات و تبیین جهاد و دفاع، مصداق بارز «رباط» و «استقامت» است که زمینه‌ساز پیروزی بر دشمنان می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مستندات قرآنی تجمعات، حضور مردم در صحنه، تجمعات اجتماعی، جهاد فکری در زمان جنگ.

---

\*. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، hasanrezazaii@mailfa.com

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین ارکان حفظ و بقای نظام‌های اجتماعی و سیاسی، «سرمایه اجتماعی» و چگونگی به صحنه آمدن مردم در بزنگاه‌های تاریخی است. در فرهنگ دینی، این حضور نه تنها یک کنش سیاسی-اجتماعی، بلکه یک وظیفه شرعی و الهی برای حفظ کیان اسلام محسوب می‌شود. نگاهی به تاریخ اسلام و به‌ویژه تجربیات دوران دفاع مقدس در ایران و جنگ رمضان ۱۴۰۴ نشان‌دهنده آن است که همواره پیوند میان «دین» و «حضور مردم در میدان»، عامل اصلی پیشبرد اهداف و شکست توطئه‌های نظامی و فرهنگی دشمنان بوده است.

قرآن کریم به‌عنوان کتاب زندگی، جامعه ایمانی را «امت واحده» می‌نامد که در برابر جریان باطل، وظیفه ایستادگی و حضور فعال دارد. این کتاب آسمانی با تکیه بر اصولی همچون «اطاعت از ولی امر»، «وجوب دفاع» و «لزوم انسجام در برابر دشمن»، چارچوب نظری مشارکت مردم در صحنه را ترسیم کرده است.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که قرآن کریم چه مستنداتی برای تجمعات و حضور مردم در میدان، به‌ویژه در شرایط بحرانی جنگ و تهدید نظامی ارائه می‌دهد؟ اهمیت این بحث در آن است که در دنیای معاصر، دشمنان با ایجاد ناامیدی و القای انفعال، سعی در کم‌رنگ کردن حضور مردم در عرصه‌های تعیین‌کننده دارند. با بازخوانی آیات مربوط به قیام برای خدا و جهاد (مانند سوره انفال و توبه) و پشتیبانی از آن و ضرورت تشکیل صفوف مرصوص، می‌توان دریافت که چگونه حضور هدفمند و منسجم مردم در صحنه، نه تنها یک ابزار دفاعی، بلکه تجلی‌گاه اقتدار و ایمان امت در برابر جبهه کفر است. این پژوهش می‌کوشد با نگاهی تحلیلی به آیات، جایگاه «حضور» و «تجمع برای دفاع» را به‌عنوان یک راهبرد قرآنی برای دوران جنگ تبیین کند.

## قرآن و حضور مردم در صحنه و اجتماعات

حضور گسترده مردم در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی حساس، در مواردی حتی از حضور فیزیکی نیروهای نظامی در میدان نبرد نیز تأثیرگذارتر و راهبردی‌تر است. برگزاری تجمعات



و حمایت‌های مردمی از رهبری و تصمیمات کلان نظام، ضمن تقویت سرمایه اجتماعی، پشتوانه‌ای مستحکم برای سیاستمداران و دلگرمی مؤثری برای نیروهای نظامی در میدان‌های نبرد فراهم می‌آورد. با توجه به اهمیت راهبردی این پدیده، قرآن کریم به‌صراحت و در مواردی به‌صورت ضمنی، بر ضرورت «حضور در صحنه» و «انسجام اجتماعی» تأکید ورزیده است. در ادامه، مستندات قرآنی ناظر بر نقش و جایگاه حضور مردم در عرصه‌های سرنوشت‌ساز تبیین خواهد شد.

### ۱. قرآن و اطاعت‌پذیری از امام جامعه

در قرآن کریم و تفاسیر معتبر، موضوع اطاعت از امام و رهبر جامعه، یعنی اولی‌الامر، هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح، به‌صراحت و با تأکید فراوان بیان شده است. در برخی آیات، به‌صورت روشن به اطاعت از رهبر اشاره شده است؛ از جمله آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و اولی‌الامر خود اطاعت کنید...» (نساء، ۵۹). از اطلاق این آیه استفاده می‌شود که اطاعت از فرمان امام یا رهبر جامعه اسلامی در عرصه‌های مختلف، از جمله امور اجتماعی، قضایی، سیاسی و نیز در زمان جنگ و صلح، برای حفظ وحدت و دستیابی به پیروزی ضروری است. علامه طباطبایی رحمته‌الله اطاعت از اولی‌الامر را واجب می‌شمارد و می‌فرماید: «اولی‌الامر کسانی هستند که از سوی خدا و پیامبر منصوب شده‌اند و اطاعت از آنان در همه شئون زندگی، از جمله جنگ و صلح، واجب است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۱۰).

همچنین آیه شریفه: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالاً وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»؛ سبک‌بار و سنگین‌بار بسیج شوید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید...» (توبه، ۴۱). آیه فوق بر لزوم بسیج عمومی و اطاعت از فرماندهی امام در جهاد تأکید دارد. تخلف از دستور امام در جنگ، موجب سستی، شکست و تفرقه می‌شود. از این رو نویسنده تفسیر نمونه با تأکید بر اطاعت از فرامین امام جامعه، به‌ویژه در زمان جنگ، می‌نویسد: «جهاد بدون اطاعت از رهبری واحد، بی‌فایده است. امام به‌عنوان فرمانده کل، باید مورد اطاعت کامل باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۲۰).

امام علی (علیه السلام) نیز در جنگ صفین بارها بر این نکته تأکید کردند که اطاعت از فرماندهی امام، شرط پیروزی است: «لَوْ أَنَّ أَصْحَابِي كَانُوا يُطِيعُونِي لَمَا خَالَفَنِي أَحَدٌ...؛ اگر یارانم از من اطاعت می‌کردند، هیچ‌کس با من مخالفت نمی‌کرد...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)؛ همچنین امام حسین (علیه السلام) در نامه‌ای به مردم کوفه نوشتند: «إِنَّ الْإِمَامَ حُجَّةَ اللَّهِ بَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ لَمْ يُطِعه فَقَدْ خَرَجَ مِنْ دِينِ اللَّهِ...؛ همانا امام حجت خدا میان بندگان اوست، پس هرکس از او اطاعت نکند، از دین خدا خارج شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۳۲۹). امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «طَاعَةُ الْإِمَامِ فِي السَّلَامِ وَالْحَرْبِ وَاجِبَةٌ، وَمَنْ خَالَفه فَقَدْ خَالَفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...؛ اطاعت از امام در صلح و جنگ واجب است و هرکس با او مخالفت کند، با خدا و پیامبرش مخالفت کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۸۸). بر این اساس قرآن کریم و سیره اهل‌بیت (علیهم السلام) به‌وضوح بر وجوب اطاعت از امام و رهبر جامعه، هم در زمان جنگ - برای حفظ وحدت و دستیابی به پیروزی - و هم در زمان صلح - برای اجرای احکام و حفظ نظم اجتماعی - تأکید دارند.

در دوران جنگ تحمیلی رمضان، رهبر جامعه، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای حضور در صحنه و تجمعات را لازم و ضروری برشمردند و فرمودند: «در وهله کنونی، برای نیل به این شعار و هدف راهبردی رهبر شهید، استمرار حضور مردم عزیزمان همانند چهل روزی است که پشت‌سر گذاشتند، ضروری می‌گماید. این حضور، یک رکن مهم از منزلتی است که اینک ایران مقتدر در آن استقرار یافته است؛ بنابراین نباید با اعلام بنای مذاکره با دشمن، تصور شود که حضور در خیابان‌ها لازم نیست، بلکه اگر بر فرض، ضرورتاً نوبت دوره سکوت صحنه نبرد نظامی رسیده باشد، وظیفه آحاد مردمی که امکان حضور در میادین و محلات و مساجد را دارند، سنگین‌تر از قبل به‌نظر می‌رسد. مسلماً فریادهای شما در میادین، در نتیجه مذاکرات مؤثر است» (پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم‌الشان انقلاب، ۱۴۰۵/۱/۲۰، khamenei.ir).

بر این اساس امام جامعه حضور در صحنه و تجمعات مردمی را مؤثرتر از صرف میدان نظامی می‌داند و حتی آن را در روند مذاکرات با دشمن نیز تأثیرگذار می‌شمارد؛ بنابراین



برپایه مستندات قرآنی و سیره اهل بیت (علیهم السلام)، اطاعت از امام جامعه درباره حضور در صحنه، امری لازم و ضروری است.

## ۲. قرآن و گستره مفهوم جهاد

مفهوم «جهاد» در قرآن، مفهومی بسیار گسترده است که فراتر از نبرد مسلحانه بوده و شامل هرگونه تلاش و کوشش در راه خدا می‌شود. جهاد و دفاع از خود و وطن، یک قانون عمومی و تکوینی در جهان آفرینش معرفی شده و مختص به انسان‌ها نیست، بلکه شامل همه موجودات زنده می‌شود. نویسنده تفسیر مهر می‌نویسد: «جهاد در همه موجودات اعم از گیاهان، حیوانات و انسان‌ها وجود دارد. ملت‌ها اگر از خویش مراقبت کنند و با دشمنان بجنگند زنده می‌مانند، اما اگر غفلت کنند از بین می‌روند. این نشان‌دهنده ضرورت حضور فعالانه تمام اجزای جامعه در صحنه دفاع است (رضایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵۷). این نگاه، حضور در صحنه را یک گزینه و وظیفه طبیعی برای بقای جامعه می‌داند، نه صرفاً یک دستور نظامی محدود.

مفهوم جهاد در میدان نظامی خلاصه نمی‌شود. مفسران تأکید دارند که جهاد تنها به معنای نبرد مسلحانه نیست و هر نوع کوششی برای پیشبرد اهداف مقدس را شامل می‌شود. «جهاد تنها به معنای نبرد مسلحانه نیست... پس جهاد علمی، منطقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد». این تعریف، بستری فقهی و تفسیری برای حضور مردم در تجمعات سیاسی، فرهنگی و تبلیغاتی فراهم می‌کند (رضایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵۷). در تفسیر نمونه ذیل آیه «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» توضیح داده شده که منظور جهاد فکری، فرهنگی و تبلیغاتی با استفاده از قرآن است، نه جهاد مسلحانه. این نوع جهاد که بزرگترین جهادها خوانده شده، نیازمند حضور فعال علما و مردم در عرصه‌های فکری و اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۲۲).

در آیه ۶۹ سوره عنکبوت آمده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» وازھ جهاد به معنای کوشش مطلق در راه خدا تفسیر شده است. مفسران بیان می‌کنند که این آیه شامل چهار نوع جهاد می‌شود: جهاد نظامی، جهاد فرهنگی و علمی، جهاد با نفس (مبارزه با هوس‌های درونی) و جهاد سازندگی (تلاش برای پیشرفت فنی و اقتصادی). این آیه

پیروزی و هدایت را منوط به «تلاش و اخلاص» کرده است، نه صرفاً جنگ فیزیکی (رضایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۱۳). همچنین در تفسیر نمونه تأکید شده که منظور از جهاد در این آیه، هرگونه جهاد و کوشش در راه خدا، انجام نیکی‌ها، مبارزه با هوس‌های سرکش (جهاد اکبر) و پیکار با دشمنان ظالم (جهاد اصغر) است و اکثر مفسران آن را به مبارزه مسلحانه محدود نکرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۸۱). همچنین در آیه ۵۲ سوره فرقان «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» خداوند به پیامبر دستور می‌دهد با قرآن جهاد بزرگی انجام دهند. مفسران تصریح می‌کنند که چون این سوره مکی است و در مکه دستور جهاد مسلحانه صادر نشده بود، منظور از «جهاد کبیر» در اینجا قطعاً جهاد فکری، فرهنگی و تبلیغاتی در برابر وسوسه‌های گمراهان است (یعقوبی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۵۰۲). علاوه بر آن در آیه ۷۳ سوره توبه «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» دستور به جهاد با کفار و منافقان داده شده است. جهاد با منافقان هرگز به صورت مسلحانه از سوی پیامبر انجام نشد؛ زیرا آن‌ها ظاهراً مسلمان بودند؛ بنابراین منظور از جهاد با آن‌ها، توبیخ، سرزنش، افشاگری، تهدید و یا در برخی موارد تلاش برای جذب قلوب آن‌هاست. این نشان می‌دهد که لفظ جهاد در قرآن شامل مبارزات کلامی و اجتماعی نیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۹۹).  
براساس مستندات قرآنی ذکر شده مفهوم جهاد، مفهومی عام و فراگیر است به هیچ‌وجه محدود به دفاع مسلحانه نیست و یکی از مصادیق جهاد در زمان جنگ، مبارزه فکری، فرهنگی و تبلیغی با حضور در صحنه و تجمعات است که پشتوانه نیروهای مسلح در میدان و هم پیام ویژه به دشمنان است.

### ۳. قرآن و تأکید بر حرکت همگانی

قرآن کریم با ادبیاتی قاطع، مؤمنان را به حرکت و حضور در میدان دعوت کرده و از کسانی که تمایل به ماندن در خانه و سستی نشان می‌دهند، انتقاد شدید کرده است. مکارم شیرازی در ذیل آیه «مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا...» (توبه، ۳۸) می‌نویسد: «قرآن با شدت مردم را به جهاد دعوت می‌کند و عبارت «انْفِرُوا إِلَى الْأَرْضِ» کنایه از تمایل به ماندن در وطن و حرکت نکردن به سوی میدان جهاد است. این آیات نشان‌دهنده ضرورت خروج از خانه‌ها و حضور فیزیکی در صحنه‌های تعیین سرنوشت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۱۴). آیه



«انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا» (توبه، ۴۱) مسلمانان را به حرکتی همگانی و بدون قید و شرط به سوی جبهه فرامی خواند. عبارت «خِفَافًا وَثِقَالًا» (سبک بار و گران بار) معنایی جامع دارد که تمام حالات انسان را دربرمی گیرد؛ چه مجرد و چه متأهل، چه جوان و چه پیر، چه ثروتمند و چه فقیر و چه دارای عائله کم یا زیاد. در هر صورت، شرکت در جهاد آزادی بخش لازم است و بهانه تراشی جایز نیست (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۲۵). حرکت همگانی چه در نبرد مسلحانه چه در پشتیبانی از آن مانند حضور در صحنه و تجمعات مورد تأکید قرآن است. پشتیبانی از جهاد تنها محدود به حضور فیزیکی نیست، بلکه شامل حمایت های مالی نیز می شود. کسانی که به دلایل موجه (بیماری، معلولیت) نمی توانند در خط مقدم بجنگند، از جهاد معاف اند، اما وظایف دیگری در پشتیبانی دارند. این افراد باید به اندازه توان در پشت جبهه بکوشند؛ مانند خیرخواهی با زبان، شرکت در حرکت های تبلیغاتی و تشویق دیگران به شرکت در جنگ (رضایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۱۱). در روایات آمده است کسانی که به خاطر بیماری نمی توانند بجنگند، اما دلشان همراه رزمندگان است، در ثواب جهاد با مجاهدان برابری دارند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۳۸).

#### ۴. قرآن و حمایت از مظلومان

در زمان حملات مسلحانه، گروهی مظلوم و گروهی ظالم واقع می شوند. قرآن مسلمانان را موظف می داند که در هر نقطه از جهان که مظلومی تحت ستم است، حاضر شوند و از او دفاع کنند. حضور فیزیکی مردم در تجمعات برای نشان دادن همبستگی با مظلومان، مصداق بارز «اعتصام به حبل الله» و نفی تفرقه است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران، ۱۰۳) «و همگی به ریسمان خدا جنگ زبید و پراکنده نشوید...» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: «تفرقه باعث ضعف و تسلط دشمن می شود. جمیعاً بودن به معنای حضور همگانی و متشکل در کنار یکدیگر است که بزرگترین پشتیبانی معنوی و سیاسی برای جامعه اسلامی در برابر تهدیدات به شمار می آید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۰۳).

همچنین قرآن مؤمنان را موظف می کند که در برابر ظلم سکوت نکنند و با صدای بلند از مظلوم دفاع کنند. این همان نقشی است که تجمعات، راهپیمایی ها و بیانیه ها در دنیای

امروز ایفا می‌کنند: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ...؛ خداوند آشکار ساختن بدی‌ها را [به زبان] دوست ندارد، مگر از کسی که ستم دیده است... (نساء، ۱۴۸). طبرسی در ذیل این آیه بیان کرده‌اند که اگرچه غیبت و بدگویی حرام است، اما مظلوم مجاز است (و حتی وظیفه دارد) ظلمی را که بر او رفته آشکار کند تا مردم آگاه شوند. وظیفه دیگران نیز شنیدن و بازتاب دادن این فریاد است. تجمعات و شعارها ابزار مدرنِ این «جهر بالقول» برای مظلوم به‌شمار می‌روند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۸۰).

و سرانجام آیه امر به معروف و نهی از منکر: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران، ۱۱۰) «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید...». حمله به مظلومان بزرگترین «منکر» است. حضور در صحنه و تجمعات، عالی‌ترین شکل «نهی از منکر» در سطح کلان اجتماعی است که فشار افکار عمومی را بر دشمن افزایش می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۴۵).

در نتیجه، قرآن حضور در صحنه و دفاع از مظلومان را امری واجب و از ارکان اساسی هویت جامعه اسلامی می‌داند. این حضور که در قالب تجمعات، راهپیمایی‌ها و ابزارهای رسانه‌ای مدرن متجلی می‌شود، نه تنها باعث وحدت و قدرت بخشی به جامعه اسلامی و بازدارندگی در برابر دشمنان می‌گردد، بلکه مصداق عینی امر به معروف و نهی از منکر و تحقق آیه «اعتصام به حبل‌الله» است. قرآن به صراحت، سکوت در برابر ظلم را نفی کرده و بر «جهر بالقول» آشکار ساختن ستم تأکید دارد، که این خود، وظیفه همگانی برای شنیدن و بازتاب دادن صدای مظلوم را نیز گوشزد می‌کند.

##### ۵. قرآن و پشتیبانی روانی و ایجاد رعب در دل دشمن

قرآن کریم به صراحت به استراتژی «بازدارندگی روانی» و «ایجاد رعب در دل دشمن» به عنوان یکی از ارکان اصلی دفاع و حفظ امنیت جامعه اسلامی اشاره کرده است. این مفهوم در قرآن با واژه «إِرْهَاب» (ترساندن) و «رُعْب» (وحشت انداختن) بیان شده است. مهم‌ترین آیه در این زمینه، آیه ۶۰ سوره انفال است که دستور به آماده‌سازی هرگونه قدرت برای ترساندن دشمن می‌دهد. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ





تُرْهِیُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...؛ و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده‌باش [و نیروی متحرک]، برای مقابله با دشمن خدا و دشمن خودتان فراهم کنید، تا با این [آمادگی]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید...». علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم تأکید می‌کنند که هدف نهایی این آیه فقط جنگیدن نیست، بلکه «ترهیب» (ایجاد رعب و وحشت) در دل دشمن است تا جرئت حمله پیدا نکند. مفهوم کلمه «قوه» در این آیه عام است و شامل هر نوع قدرتی می‌شود که باعث بازدارندگی شود؛ مانند قدرت نظامی (سلاح، موشک و نیروی انسانی)، قدرت نرم (تجمعات عظیم مردمی، اتحاد ملی و نمایش همبستگی) و قدرت اقتصادی و تکنولوژیک.

وقتی مردمی مورد تهدید هستند، با نمایش قدرت (حتی بدون شلیک گلوله)، محاسبات دشمن را برهم زده و او را از حمله منصرف می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۶۵).

آیه «رُعْب» (وحشت‌انداختن در دل کافران) که در سوره حشر آیه ۲ مطرح شده وعده می‌دهد که اگر مؤمنان متحد و آماده باشند، خداوند ترس و وحشت را در دل دشمنان می‌اندازد: «وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ...؛ و در دل‌هایشان وحشت (رُعْب) افکند...». این آیه نشان می‌دهد که پیروزی همیشه با کشتار دشمن نیست؛ گاهی «قذف الرعب» (پرتاب وحشت در دل دشمن) باعث فرار یا تسلیم او می‌شود.

این وحشت ناشی از دیدن اتحاد مؤمنان، آمادگی آنان و حمایت الهی است. تجمعات منظم و نمایش قدرت مردمی، مصداق بارز ایجاد این رعب است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۵۰). آیه ۶۵ سوره انفال، آیه دیگری است که اشاره به غلبه روانی مؤمنان بر دشمن دارد. در این آیه اشاره دارد که کیفیت ایمان و آمادگی روانی مؤمنان باعث می‌شود تا دشمن با وجود تعداد بیشتر، احساس ضعف و ترس کند.

«...إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ...؛ اگر بیست نفر از شما شکیبا باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کافران پیروز می‌شوند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که [حقیقت را] درک نمی‌کنند» (انفال، ۶۵).

عامل پیروزی و ایجاد ترس در دشمن، «صبر» و «ایمان» است. وقتی دشمن ببیند مردم مظلوم با وجود کمبود امکانات، با صلابت و اتحاد در صحنه حاضرند و از جان خود نمی‌ترسند، روحیه‌اش فرومی‌ریزد.

حضور پرشور مردم در تجمعات، نشان‌دهنده همین «صبر» و «عدم ترس» است که مستقیماً بر روان دشمن اثر می‌گذارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۹۰). در داستان طالوت و جالوت، قرآن نشان می‌دهد که چگونه گروهی اندک اما با ایمان و متحد توانستند بر لشکر انبوه دشمن غلبه کنند و ترس را در دل آنان بیندازند (بقره، آیات ۲۴۹-۲۵۰). این تغییر روحیه، باعث شکست روانی و نظامی دشمن می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۵۰). براساس آیات فوق، قرآن کریم سه عامل اصلی را برای ایجاد رعب در دل دشمن معرفی می‌کند که همگی از طریق حضور مردمی و تجمعات قابل تحقق است: ۱. نمایش قدرت (إعداد القوة): هر چیزی که نشان‌دهنده توانایی جامعه باشد (جمعیت زیاد، نظم و شعارهای کوبنده). ۲. اتحاد و عدم تفرقه (اعتصام): صلابت ۳. عدم ترس (صبر): وقتی دشمن ببیند مظلومان با وجود تهدیدها، نه تنها نمی‌ترسند، بلکه با شور و اشتیاق در صحنه حاضرند، محاسبات روانی‌اش به هم می‌ریزد.

## ۶. قرآن و ضرورت تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته برای تجمعات

در قرآن به صراحت بر لزوم اتحاد مؤمنان و پرهیز از تفرقه در عرصه حضور در اجتماع و جهاد تأکید شده است. این اتحاد به معنای تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته و منسجم است. خداوند در سوره انفال آیه ۴۶ می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید و با یکدیگر نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود» (هاشمی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۱۵). آیه دیگری که مهم‌ترین منبع برای بحث درباره تشکیل گروه‌های منسجم جهت اصلاح جامعه است عبارت از: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» و باید از میان شما، گروهی مردم را به سوی نیکی دعوت کنند...» (آل عمران، آیه ۱۰۴). مفسران اشاره می‌کنند که تعبیر «أُمَّةٌ» در این آیه به معنای جماعتی است که دارای وحدت هدف و انسجام باشند. این آیه دستور می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر باید



توسط یک «گروه منسجم و سازمان‌یافته» انجام شود. مصادیق این گروه‌ها می‌تواند سازمان روحانیت، هیئت‌های مذهبی یا سازمان‌های ویژه امر به معروف باشد (رضایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۱۱)؛ درحالی‌که مرحله اول امر به معروف وظیفه‌ای فردی و محدود به تذکر است، مرحله دوم مخصوص گروهی خاص است که به‌صورت «جمعی» عمل کرده و دارای قدرت و شعاع عمل وسیعی هستند. این مرحله شامل شدت عمل و اجرای حدود است که نیازمند تشکیلات است (رضایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۰۹).

همچنین قرآن مؤمنان را در جهاد به صفی واحد و محکم تشبیه می‌کند: «خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او پیکار می‌کنند، گویی بنیان مرصوصی (ساختمان محکم و بی‌شکافی) هستند» (صف، ۴). همچنین دستور به تشکیلات سازمان‌یافته و مبارزه دسته‌جمعی با مشرکان داده شده است: «...و با مشرکان، دسته‌جمعی پیکار کنید، همان‌گونه که آن‌ها دسته‌جمعی با شما پیکار می‌کنند...» (هاشمی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۸۸).

علاوه بر آن تظاهرات و راهپیمایی‌های میلیونی به‌عنوان مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر به‌صورت دسته‌جمعی معرفی شده‌اند که نیازمند سازماندهی و گروه‌بندی است. «در دعوت به حق و جلوگیری از منکرات و مفاسد، گاهی باید حرکت دسته‌جمعی کرد؛ زیرا تذکرات فردی اثری ندارد و باید هیئتی اعزام شود... بعضی از راهپیمایی‌ها، همان امر به معروف و نهی از منکر عملی است که به‌صورت دسته‌جمعی صورت می‌گیرد. اگر تظاهرات میلیونی مردم ایران نبود، هرگز طاغوت ساقط نمی‌شد» (ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۲). قرآن در مورد اسرار حج می‌فرماید مردم به حج روند تا شاهد منافع باشند. این منافع شامل مانورهای دسته‌جمعی، وحدت و حرکت‌های پی در پی است که الگویی برای تجمعات سازمان‌یافته است (ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۲). قرآن مؤمنان را به جهاد با مال و جان فرا می‌خواند که این امر نیازمند سازماندهی اقتصادی و انسانی است: «ای پیامبر! مؤمنان را بر جهاد برانگیز... و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید» (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۷۹).

قرآن بر لزوم اتحاد و تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته برای تجمعات، از جمله در عرصه‌های امر به معروف و نهی از منکر و جهاد تأکید دارد. این انسجام برای مقابله با

دشمن، افزایش اقتدار جامعه ایمانی و رسیدن به منافع مشترک ضروری است. آیات متعددی از جمله صف ۴ و آل عمران ۱۰۴، بر این موضوع صحه می‌گذارند.

## ۷. قرآن و قیام جمعی برای خدا

واژه «قیام» در اصل به معنای «ایستادن» در مقابل «نشستن» یا «خوابیدن» است، اما در کاربرد قرآنی و روایی، این واژه مفاهیم عمیق‌تری یافته است. یکی از این معانی، تسلط و تعادل است؛ زیرا انسان در حالت ایستاده، بیشترین تسلط را بر کارها و مقاصد خود دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۶۱). معنای دیگر آن، آمادگی برای عمل است؛ چراکه ایستادن، نقطه آغازین اجرای برنامه‌های زندگی است (شریعتمداری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۷۸۸). مفهوم قیام در قرآن در ساحت‌های گوناگونی همچون قیام عبادی، اجتماعی-سیاسی، وجودی و قیام برای خدا نمود یافته است.

مهم‌ترین آیه در این زمینه، آیه ۴۶ سوره سبأ است: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَةٍ مِنْ شَمَائِلِ الْيَوْمِ...؛ بگو من شما را به یک چیز اندرز می‌دهم این‌که برای خدا قیام کنید، دو دو و یکی یکی...». خداوند از میان تمام مواظ، تنها همین یک مورد را برگزیده است؛ زیرا «همه چیز» در آن نهفته است. قیام برای خدا، هم شامل «قیام فردی» (جهت رسیدن به معرفت حق) و هم «قیام اجتماعی» (برای تحقق مقاصد الهی) می‌شود (امام خمینی، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۵۱۳). همچنین در روایتی از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) ذیل این آیه، «قیام برای خدا» به قیام برای «ولایت» تفسیر شده است که نشان‌دهنده پیوند ناگسستنی میان قیام الهی و پذیرش امامت است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۱۵۷).

آیه دیگری که بر این مفهوم تأکید دارد، آیه ۸ سوره مائده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید...». این آیه قیام را در بستر اجتماعی و در مقام اقامه عدل و شهادت حق تعریف می‌کند، حتی اگر این کار علیه منافع شخصی یا خویشاوندان باشد (واعظزاده، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۷۹). در سوره مدثر، خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در حالت استراحت بود دستور «قم» (برخیز) می‌دهد تا هشدار دهد و مبارزه را آغاز کند. این قیام، شروع یک حرکت اجتماعی و تبلیغی آشکار پس از دوره پنهانی بود (رضایی، ۱۳۹۰، ج ۲۱، ص ۳۱۷). در این نگرش،



تجمعات مؤمنانه و دفاع از امام جامعه، عین قیام برای خدا و امری ضروری است. امام خمینی رحمه الله با استناد به آیه «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» می‌فرمایند: «وقتی دیدید دین خدا در معرض خطر است، برای خدا قیام کنید... امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام دیدند دین خدا در خطر است... برای خدا قیام کردند». ایشان تأکید می‌کنند که این وظیفه منحصر به یک زمان نیست و هرگاه اسلام در معرض هجمه قرار گیرد، باید قیام کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۵۱).

آمادگی برای دفاع از ائمه علیهم السلام وظیفه مؤمنان است؛ چنان‌که خداوند به صبر و رابطه (آماده‌باش) امر فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...» (آل عمران، ۲۰۰). در صحیفه سجاده نیز این روحیه در قالب دعا برای یاری امام تجلی یافته است (هاشمی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۶؛ حمیدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹۴). قرآن کریم با دعوت به اعتصام به «حبل‌الله» (که در روایات به ائمه اطهار علیهم السلام تفسیر شده)، قیام برای خدا را حرکتی در مسیر ولایت و حول محور امام معرفی می‌کند (مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۷۸). آیه «...وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره، ۲۳۸) (برای خدا قیام کنید، درحالی‌که فرمانبردارید) نیز بیانگر آن است که برنامه قیام می‌تواند به صورت فردی یا با همکاری دیگران (جمعی) باشد. اگرچه قیام جمعی تأثیرگذارتر است، اما نبود آن، تکالیف فردی را ساقط نمی‌کند. این مفهوم می‌تواند شامل تجمعات و حرکت‌های دسته‌جمعی جهت نیل به اهداف الهی باشد (رضایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۷۳).

از مجموع آیات و روایات مطرح شده می‌توان دریافت که «قیام برای خدا» یک تکلیف صرفاً فردی و درونی نیست، بلکه حقیقتی پویا، اجتماعی و ولایت‌محور است. قیام، فراتر از ایستادن فیزیکی، نمادی از «اقتدار ایمانی»، «عدالت‌خواهی» و «آمادگی عملی» برای صیانت از دین و حق است.

در اندیشه دینی، این حرکت زمانی به کمال خود می‌رسد که در بستر «قیام جمعی» و «حول محور امام» خاصه در پشتیبانی از جهاد شکل گیرد؛ چنان‌که قیام امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام نیز بر همین مبنای تولی و تبری استوار بود. در نهایت قیام برای خدا به معنای استمرار هوشیاری در برابر انحرافات و حفظ آمادگی همیشگی (مربطه) برای دفاع

از حبل‌الله و اقامه عدل است؛ تکلیفی که با گذر زمان منسوخ نشده و در هر دوره‌ای که دین در معرض خطر باشد، برعهده تمامی مؤمنان قرار دارد.

## ۸. قرآن و اتحاد مؤمنان در مقابله با دشمنان

در قرآن تأکید بسیار زیادی بر «اتحاد»، «همبستگی» و «پرهیز از تفرقه» به‌ویژه در برابر هجوم دشمنان شده است. این موضوع به‌عنوان یکی از ارکان اصلی بقای جامعه اسلامی و عامل پیروزی بر دشمنان معرفی شده است. در ادامه به مهم‌ترین مستندات این موضوع می‌پردازیم:

خداوند در سوره آل‌عمران می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا...؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید...» (آل‌عمران، ۱۰۳). «حبل‌الله» (ریسمان خدا) مصداق اتم آن «قرآن» و «اهل‌بیت (علیهم‌السلام)» و «ولایت» است. کلمه «جَمِيعاً» (همگی) نشان‌دهنده لزوم اتحاد همگانی است. خداوند در ادامه همین آیه به اثر این اتحاد اشاره می‌کند: «و به‌یاد آورید نعمت خدا را بر خود، هنگامی که دشمن یکدیگر بودید و او میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید». این آیه صراحتاً اتحاد را عامل تبدیل دشمنی‌های داخلی به برادری و عامل دفع خطر دشمنان خارجی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۸).

خداوند در سوره انفال به پرهیز از نزاع و سستی دستور می‌دهد: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...؛ و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود...» (انفال، ۴۶). این آیه مستقیماً «نزاع و تفرقه» را عامل «فشل» (سستی و شکست) و از بین رفتن «ریح» (شوکت و هیبت) در برابر دشمنان معرفی می‌کند. عبارت «و تَذْهَبَ رِيحُكُمْ» کنایه از از بین رفتن ابهت و قدرت بازدارندگی جامعه اسلامی در چشم دشمنان است (لاهیجی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۴۸۹). خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ همانا شیطان دشمن آشکار شماست. وقتی دشمن (شیطان و ایادی او) واحد و مشترک است، منطق حکم می‌کند که جبهه مقابل نیز باید واحد و متحد باشد. تفرقه در برابر دشمن واحد، بازی در زمین دشمن است (هاشمی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۵۶).



امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ؛ جماعت و اتحاد مایه رحمت است و تفرقه مایه عذاب». این حدیث نشان می‌دهد که خداوند رحمت خود را در گرو اتحاد قرار داده است (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۱۱۲). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «إِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَهُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدُ؛ بهره‌ییزد از تفرقه، همانا شیطان با فرد تنهاست و از دو نفر دورتر است». این روایت یک استراتژی دفاعی را آموزش می‌دهد: دشمن (شیطان) وقتی می‌تواند نفوذ کند که شما متفرق و تنها باشید. اتحاد، دژ مستحکمی است که دشمن را دور می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۱۴۵). امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّ فِيهَا رِضَا اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ بر شما باد به جماعت و اتحاد، که در آن رضایت خداوند است». در تفسیر این روایات آمده است که رضایت خدا در گرو حفظ کیان اسلامی در برابر دشمنان است و این جز با وحدت ممکن نیست (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۸۹). تجمعات و حضور در صحنه در زمان جنگ و بحران‌های اجتماعی عامل بازدارندگی، خنثی‌سازی توطئه تفرقه و اتحاد در مقابل دشمن است؛ بنابراین هرگونه حرکتی که منجر به تضعیف جبهه متحد مسلمانان در برابر دشمنان مشترک شود، مخالف صریح نص قرآن و سنت معصومین (علیهم السلام) است.

حاصل سخن این‌که در زمان جنگ و جهاد، حضور مردم در صحنه و تجمعات، همچون صفوف مستحکم در برابر دشمن، یک ضرورت قرآنی برای حفظ اقتدار و عزت، نصرت الهی و شکست نقشه‌های دشمن است و تأثیر حضور مردم در صحنه به مراتب بیشتر از میدان نظامی است. این حضور ریشه قرآنی نیز دارد و مستندات قوی بر آن حاکم است. قرآن با تأکید بر اطاعت از ولی‌امر، اتحاد و انسجام ملی و عدم تفرقه و تشکیل گروه‌های منسجم، حضور فعال امت را در دفاع از کیان اسلام، تضمین‌کننده پیروزی معرفی می‌کند. این حضور مصداق بارز «رباط» و «استقامت» است که زمینه را برای یاری خداوند فراهم می‌آورد.

### جمع‌بندی

قرآن کریم با تأکید بر مؤلفه‌هایی همچون اطاعت از ولی‌الامر، جهاد فراگیر (فکری، فرهنگی و نظامی)، حرکت همگانی، حمایت از مظلومان، ایجاد رعب در دل دشمن، تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته، قیام جمعی برای خدا و اتحاد مؤمنان، حضور مردم در صحنه و

تجمعات اجتماعی به‌ویژه در زمان جنگ را نه یک کنش سیاسی عادی، بلکه یک تکلیف الهی و راهبردی بازدارنده معرفی می‌کند. این حضور مصداق «رباط» و «استقامت»، زمینه‌ساز نصرت الهی، خنثی‌کننده توطئه‌های دشمن و عاملی تعیین‌کننده‌تر از صرف میدان نظامی است. مستندات قرآنی نشان می‌دهد که در شرایط بحرانی، حضور منسجم و هدفمند مردم، تجلی‌گاه اقتدار ایمانی و ضامن عزت و امنیت جامعه دینی است.





## فهرست منابع

### قرآن کریم.

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی و سید محمد حسین جلالی، چ ۲، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۲. حمیدی، سید محمد، فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان چاپ و انتشارات)، ۱۳۸۰.
۳. خمینی، سید روح الله، آیین انقلاب اسلامی (مجموعه بیانات و پیام‌ها)، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (یا مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام))، ۱۳۷۸.
۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۰.
۵. ستاد کل نیروهای مسلح/ معاونت فرهنگی و تبلیغات، اخلاق نظامی و انتظامی، تهران: انتشارات ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۹۰.
۶. شریعتمداری، جعفر، شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
۷. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت (یا انتشارات دارالهجرة)، ۱۴۱۴ ق.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.



۱۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۱۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۳. قربانی لاهیجی، زین‌العابدین، تفسیر جامع آیات الأحکام، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۴.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تحقیق سیدابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دارالمحبی، ۱۳۷۷.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
۱۸. مهدوی‌راد، محمدعلی، آفاق تفسیر، تهران: هستی‌نما، ۱۳۸۲.
۱۹. امام خمینی رحمته الله، تفسیر القرآن الکریم المستخرج من آثار الإمام الخمينی، چ ۱، تهران: نشر عروج، ۱۴۲۸ ق.
۲۰. واعظ‌زاده خراسانی، محمد، المعجم فی فقه لغة القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۱. یعقوبی، احمد، تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.